

واکاوی ساخت‌های ایدئولوژیک در گفتمان مردان خواهان تمکین زوجه در دادگاه خانواده، بر پایه تئوری ون دایک (۲۰۰۶): رویکرد

زبان‌شناسی حقوقی

۱- سید فرید خلیفه‌لو*؛ ۲- حسین حلاج‌زاده بناب**؛ ۳- سید مجتبی حسینی***

۱- استادیار زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

۲- دکتری زبان‌شناسی همگانی دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

۳- کارشناسی ارشد زبان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۱۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۱۱)

چکیده

نظر به اینکه هیچ نظام نشانه‌ای از منظر ایدئولوژیک خنثی نیست، می‌توان با شناخت زبان و کشف لایه‌های زیرین آن، به آشکارسازی روابط پنهان و بازنشر ایدئولوژی‌های نهفته در ژرف‌ساخت زبان دست یافت. ساختارهای گفتمانی نیز با سازمان‌دهی نظام‌های نشانه‌ای مدنظر خود، به شیوه‌های درک ما از واقعیت شکل می‌دهند. در پژوهش حاضر به بررسی ساخت‌های ایدئولوژیک در گفتمان مردان خواهان تمکین زوجه بر پایه تئوری ون دایک (۲۰۰۶) پرداخته می‌شود. در این پویش، محققان با حضور در ۲۰ جلسه دادگاه و جمع‌آوری داده از ۲۰ مرد خواهان تمکین زوجه با میانگین سنی ۲۵ تا ۴۵ سال و با تحصیلات بین دیپلم تا لیسانس، از جامعه و طبقه شهری به مطالعه پرداخته‌اند. هدف تحقیق پیش‌رو بازنمایی ابزارهای زبانی و راهبردهای کلامی این مردان در راستای اقناع قاضی و تصمیم‌گیرنده است. همچنین، استراتژی‌های ارجاعی این افراد از طریق الگوی «مربع ایدئولوژیک» ون دایک (۲۰۰۶) تعیین و بسامد هریک از اضلاع مربع مشخص می‌گردد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مردان در جلسات دادگاه از انواع راهبردهای زبانی همچون «توصیف کنشگر»، «قطب‌بندی»، «تعمیم»، «اغراق» و «بیان هنجارها» در راستای پیشبرد اهداف خود استفاده می‌کنند. این راهبردها در ۵۸٪ موارد در راستای بزرگ‌نمایی رفتار منفی همسر (غیر خودی‌ها) و در ۲۷٪ موارد در جهت بزرگ‌نمایی رفتار مثبت خود (خودی‌ها) است. جامعه آماری مورد مطالعه، کمتر از دو ضلع دیگر مربع ایدئولوژیک (کوچک‌نمایی نکات مثبت و کوچک‌نمایی نکات منفی طرف مقابل) استفاده می‌کردند که این امر منطبق با نظریه ون دایک (۲۰۰۶) است.

کلیدواژه‌ها: تحلیل گفتمان انتقادی، تحلیل گفتمان حقوقی، مردان خواهان تمکین زوجه، راهبردهای زبانی.

(نویسنده مسئول) *E-mail: khalifehloo@lihu.usb.ac.ir

**E-mail: h.hallaj@pgs.usb.ac.ir

***E-mail: sm.hosseini@pgs.usb.ac.ir

۱. مقدمه

تحلیل گفتمان انتقادی^۱ یکی از رویکردهای پژوهشی است که در دهه‌های اخیر بسیار به آن پرداخته‌اند و به‌طور فزاینده‌ای در حال گسترش است. نظریه گفتمان تأکید می‌کند که زبان، نظامی رابطه‌ای از معانی و جملات است که هویت سوژه‌ها را می‌سازد. معانی، تفاسیر و کردارها هم به‌طرز جدایی‌ناپذیری به هم مرتبط‌اند (Howarth & Stavrakakis, 2000: 5-6). یکی از حوزه‌های تجلی زبان، استفاده آن در بافت حقوقی، قضایی و دادگاهی است. تحلیل گفتمان حقوقی، ویژگی‌های زبان را برای برقراری ارتباط میان باورها و اندیشه‌ها، در بافت عظیم اجتماع حقوقی و قضایی مورد بررسی قرار می‌دهد.

ون‌دایک^۲ بر این باور است که بین ساختارهای گفتمان و ساختارهای اجتماعی رابطه مستقیمی وجود ندارد و آنها همیشه به‌واسطه شناخت فردی و اجتماعی به یکدیگر مرتبط می‌شوند و شناخت، حلقه گمشده بسیاری از مطالعات زبان‌شناسی و تحلیل گفتمان انتقادی است. از این‌رو، او مثلث «جامعه - شناخت - گفتمان» را ارائه می‌دهد. به دلیل اینکه اساساً ماهیت گفتمان کلامی است، تحلیل گفتمان انتقادی نیازمند پایه صرفاً زبان‌شناختی نیز هست. در مثلث ون‌دایک، گفتمان در مفهوم گسترده به رویدادی ارتباطی اطلاق می‌شود که شامل تعاملات گفتاری، متن نوشتاری، حرکات بدن، تصاویر و سایر دلالت‌های نشانه شناختی است. اعضای گروه‌های اجتماعی نیز در راستای همین طرحواره ایدئولوژیکی به قطب‌بندی میان خودشان و دیگران می‌پردازند. ون‌دایک در جریان مطالعات خود،

1. Critical discourse analysis
2. Van Dijk

ابزاری مفهومی به نام «مریخ ایدئولوژیکی» معرفی و ارائه کرد که بنا بر اظهارات وی، تعیین‌کننده انتخاب استراتژی‌های ارجاعی است (Richardson, 2007: 15).

اولین تحقیقات انجام شده در حوزه گفتمان حقوقی به پژوهش‌های کریستال و دیوی^۱ (1969) باز می‌گردد که بر روی گونه‌ی زبان حقوقی کار کرده بودند. آدامز^۲ (1996) در پژوهشی با رویکرد زبان‌شناسی حقوقی به تحلیل گفتمان مزنونین پرداخته است. همچنین، کوتریل^۳ (2003) در ر ساله‌ای به بررسی گفتمان دادگاه کیفری با تمرکز بر دادگاه سیمپسون^۴، به‌عنوان نمونه بارز گفتمان جنجال‌برانگیز دادگاه در سیستم انگلو-آمریکایی^۵ پرداخته است. وی تحقیق خود را با این فرض آغاز کرده است که صحنه دادگاه، یک فضای گفتمانی چند جزئی است. در ادامه، به بررسی راهبردهایی پرداخته است که به وسیله وکلای مدافع در راستای ارائه گواهی شهادت تولید شده‌اند. لارسون^۶ (2017) در کتاب درک‌ها در دستورالعمل‌ها، چگونه استعاره‌ها چالش‌های حقوقی در عصر دیجیتال را توصیف می‌کنند^۷، به شرح چگونگی درک رمزها در عالم حقوق پرداخته است. وی در این کتاب بیشتر استعاره در بافت حقوقی و بخصوص، در حوزه دیجیتال و چگونگی درک رمزها را بررسی کرده است.

1. Crystal & Davy
2. Adams
3. Cotterill
4. Simpson Court
5. Anglo-American System of Law
6. Larsson
7. Conceptions In The Code. How Metaphors Explain Legal Challenges in Digital Times

در ایران نیز مطالعات متعددی در زمینه تحلیل گفتمان حقوقی صورت گرفته است. آقاگل زاده (۱۳۸۴) در مقاله‌ای با نام «زبان‌شناسی قضایی (قانونی) رویکردی نوین در زبان‌شناسی کاربردی»، برای اولین بار این رویکرد نوین را به جامعه علمی ایران معرفی نمود. از سایر مقالات و پایان‌نامه‌های داخلی موجود در این حوزه می‌توان به مؤمنی (۱۳۹۱)، لسانی و بریمانی (۱۳۹۲)، روشن (۱۳۹۴) و تقی‌پور (۱۳۹۴) اشاره کرد. در تازه‌ترین تحقیقات رضویان و جلیلی (۱۳۹۶) به تحلیل ویژگی‌های گفتاری متهمان کلاهبرداری از منظر زبان‌شناسی حقوقی پرداخته و با روش توصیفی، گفتار این متهمان را از مراحل نخست بازجویی تا بازپرسی و دادگاه تبیین و توصیف کرده‌اند. نتایج حاکی از آن است که داشتن دانش پس‌زمینه‌ای، رعایت اصل ادب، اصل توجیه و تهدید غیر مستقیم از ویژگی‌های اصلی و ثابت گفتار این گروه از مجرمان است. همچنین، حلاج‌زاده بناب (۱۳۹۶) با رویکرد زبان‌شناسی حقوقی و در چارچوب نظریه ون‌دایک (2006) به تحلیل ساخت‌های ایدئولوژیک در گفتمان زنان خواستار طلاق پرداخته است. وی در این اثر به بررسی و تحلیل شیوه استفاده زنان از ابزارهای زبانی برای بیان ایدئولوژیک خواسته‌هایشان و راه‌های اقناع قاضی می‌پردازد. حلاج‌زاده با بهره‌گیری از الگوی اضلاع مربع ایدئولوژیک ون‌دایک، نشان می‌دهد این زنان از همه ابزارهای زبانی برای بیان ایدئولوژیک خواسته‌هایشان و راه‌های اقناع قاضی بهره می‌برند تا به بزرگ‌نمایی کارهای منفی همسران و اطرافیانش بپردازند و اعمال منفی خود و کارهای مثبت طرف مقابل را کم‌اهمیت‌تر نشان دهند.

در این پژوهش فرض بر این است که مردان خواهان تمکین برای رسیدن به اهدافشان، در کلام از ابزارهای زبانی استفاده می‌کنند تا بتوانند مخاطب را با ایدئولوژی خود همراه سازند. پژوهش حاضر بر مبنای نظریه تحلیل گفتمان

انتقادی ون‌دایک (2006) سعی دارد تا مشخص سازد که مردان از چه ابزارهای زبانی در دادگاه‌های خانواده برای پیشبرد ایدئولوژی خود استفاده می‌کنند. از دیگر اهداف تحقیق پیش‌رو، این است که مردان خواهان تمکین در دادگاه‌های خانواده از کدامیک از اضلاع چهارگانه مربع ایدئولوژی ون‌دایک بیشتر بهره می‌برند. در انتها، نتایج به دست آمده با گفتمان زنان خواستار طلاق در دادگاه‌های خانواده از منظر تفاوت گفتمان جنسیتی مقایسه می‌شود. زبان‌شناسی حقوقی رویکرد نوینی در زبان‌شناسی کاربردی به شمار می‌رود که بر عملکرد شاخه‌های متعدد زبان‌شناسی همچون تحلیل گفتمان، معنی‌شناسی (در تشخیص معانی حقوقی واژگان)، آواشناسی (در تشخیص هویت)، نگارش متون حقوقی (در ارتباط با قانون) نظارت دارد (آفاگل‌زاده، ۱۳۸۴: ۲۱۷).

۱. چهارچوب نظری

۱-۱. نظریه ون‌دایک (2006)

در این مقاله، بر مبنای تئوری جامعه، شناخت و گفتمان ون‌دایک (2006) و الگوی مربع ایدئولوژیک وی، به بررسی و تحلیل گفتمان مردان خواهان تمکین خواهیم پرداخت. می‌خواهیم در گفتمان مردان خواهان تمکین در دادگاه خانواده به زیربنایی که از دید مخاطب پنهان شده است، برسیم تا بتوانیم تعیین کنیم که در گفتمان این مردان، خودی‌ها و غیرخودی‌ها چه کسانی هستند و این کنشگران از کدامین ابزارهای زبانی برای بیان ایدئولوژی‌های خود بهره می‌برند.

وندایک به سه بُعد اصلی گفتمان معتقد است: ۱- کاربرد زبان (گفتمان)؛ ۲- برقراری ارتباط میان باورها (شناخت)؛ ۳- تعامل در موقعیت اجتماعی

(جامعه). به نظر او، وظیفه اصلی تحلیل گفتمان فراهم آوردن تو صیفی یکپارچه از این سه بعد اصلی گفتمان است که چگونه کاربرد زبان بر باورها تأثیر می‌گذارد یا برعکس؟ چگونه تعامل بر نحوه سخن گفتن مردم تأثیر می‌گذارد؟ و چگونه باورها، کاربرد زبان و تعامل را کنترل می‌کنند؟ ون دایک معتقد است که اساساً گفتمان ماهیتی کلامی دارد و در نتیجه تحلیل گفتمان انتقادی، با رویکرد زبان شناختی از اهمیت بالایی برخوردار است (Van Dijk, 2001).

کنشگران زبان نیز در راستای همین طرحواره ایدئولوژیک، پیوسته در حال گروه‌بندی خود و دیگران هستند تا ضمن هویت‌دهی به کنشگران حاضر، بتوانند ویژگی‌هایی را به گروه‌های خودی و غیر خودی نسبت دهند. وی در همین راستا مربع ایدئولوژیک را معرفی نموده است که در این مربع «غیر خودی‌ها^۱» از هر گروهی که باشند به گونه‌ای منفی معرفی و توصیف و «خودی‌ها^۲» به گونه‌ای مثبت باز شناخته می‌شوند. این امر از طریق بزرگ‌نمایی ویژگی‌ها و فعالیت‌های اجتماعی منفی «مال آن‌ها» و کم‌رنگ کردن ویژگی‌ها و فعالیت‌های اجتماعی مثبت «آن‌ها»، و برعکس، بزرگ کردن ویژگی‌ها و فعالیت‌های مثبت «مال ما» و کوچک جلوه دادن ویژگی‌ها و فعالیت‌های منفی «مال ما» صورت می‌گیرد. بنابراین، در استفاده از استراتژی‌های ارجاعی، کلمات و عبارات مثبت برای ارجاع به «ما» بکار برده می‌شوند و واژگان منفی به «آن‌ها» ارجاع داده می‌شود. به طور کلی، اضلاع مربع ایدئولوژیک عبارت‌اند از:

الف) تأکید بر نکات مثبت خودی یا گروه خودی‌ها

-
1. outsiders
 2. insiders

ب) تأکید بر نکات منفی غیرخودی یا گروه غیر خودی‌ها

ج) رفع تأکید از نکات منفی خود یا گروه خودی‌ها

د) رفع تأکید از نکات مثبت غیرخودی یا گروه غیر خودی‌ها

کنشگران برای رسیدن به چهار هدف بالا از ابزارها و راهبرد زبانی متعددی بهره می‌برند تا بتوانند مطابق با ایدئولوژی خود، مخاطب و شنونده را اقناع نموده و با خود همراه سازند. از ابزارهای زبانی و استراتژی‌های مورد استفاده، می‌توان به راهبردهای زبانی نظیر «توصیف کنشگر^۱، مقوله‌بندی^۲ و قطب‌بندی، مقایسه کردن^۳، حُسن تعبیر^۴، تکذیب کننده‌ها^۵، گواه‌نمایی^۶، نمونه و مثال آوردن^۷، تعمیم^۸، بازی با آمار و ارقام^۹، اغراق^{۱۰}، کنایه^{۱۱}، بیان هنجارها^{۱۲}، استعاره^{۱۳}، تلویح^{۱۴}، از پیش

-
1. actor description
 2. categorization
 3. comparision
 4. euphemism
 5. disclaimers
 6. evidentiality
 7. example/Illustration
 8. generalization
 9. number game
 10. hyperbole
 11. irony
 12. norm expression
 13. metaphor
 14. implication

انگاری^۱، انتخاب کلمه^۲، قربانی سازی^۳، ابهام (عدم شفافیت)^۴، بار مسئولیت^۵ اشاره کرد.

۲. روش پژوهش

در این پژوهش، محققان با حضور در ۲۰ جلسه دادگاه خانواده شهر بیرجند و جمع آوری داده ها به صورت مکتوب از ۲۰ مرد خواهان تمکین زوجه از میان سنین ۲۵ تا ۴۵ سال، دارای مدرک تحصیلی دیپلم تا لیسانس و از طبقه شهری، به مطالعه و بررسی پرداخته‌اند. اطلاعات جمع‌آوری شده و اظهارات با توجه به الگوی ون‌دا یک (2006) به چهار دسته «بزرگ‌نمایی نکات مثبت خود»، «بزرگ‌نمایی نکات منفی غیر خود»، «کوچک‌نمایی نکات منفی خود» و «کوچک‌نمایی نکات مثبت غیر خود» طبقه‌بندی شده و میزان رخداد هر دسته از جملات به صورت جداول و نمودارهایی رسم و سپس، راهبردها و استراتژی‌های زبانی مطرح در نظریه ون‌دایک (2006) از هر یک از این دسته‌ها، مورد تجزیه و تحلیل و بررسی قرار گرفته است.

حضور در جلسات دادگاه‌های خانواده به علت طرح مسائل خانوادگی و ناموسی دارای موانع زیادی بود، که با تلاش بسیار و مساعدت مسئولان ذیربط سعی شد تا مجوزهای لازم کسب و راه برای حضور در دادگاه هموار گردد. همچنین به دلیل ممنوع بودن استفاده از لوازم الکترونیکی و شنود در محیط

-
1. presupposition
 2. lexicalization
 3. victimization
 4. vagueness
 5. burden

قضایی، جهت ثبت اظهارات طرفین در دادگاه، محققان تنها به ثبت مکتوب اظهارات کنشگران اکتفا نمودند.

۳. تجزیه و تحلیل داده‌ها

مردان خواستار تمکین نیز همچون سایر کنشگران اجتماعی، در راستای اقناع مخاطب از ابزارهای زبانی متعددی برای رسیدن به هدف خود بهره می‌برند. راهبردهای مورد استفاده این مردان عبارت‌اند از:

۱-۳. واژه‌ها

اهل زبان برای اشاره به اشخاص، گروه‌ها، روابط اجتماعی یا موضوعات اجتماعی یکسان، معمولاً بنا بر نوع گفتمان، بافت شخصی (وضعیت روحی، عقیده، و دیدگاه)، بافت اجتماعی (رسمی بودن، آشنایی، عضویت در گروه و روابط سلطه) و بافت اجتماعی-فرهنگی (گونه‌های زبانی، گویش اجتماعی، هنجارها و ارزش‌ها)، امکان انتخاب چندین کلمه را دارند. بسیاری از این واژه‌ها منشأ ایدئولوژیک دارند. همین‌طور، این امر در مورد بازنمایی مشارکین گفتمان و روابط متقابل آنان در مدل‌های موجود و بازنمایی مشارکین و کنش‌ها در مدل‌های رویدادی نیز مصداق پیدا می‌کند (Van Dijk, 1985).

همین رویکرد در مردان خواهان تمکین زوجه در دادگاه‌های خانواده نیز به وفور یافت می‌شود و آنان نیز از این ابزارهای ایدئولوژیک و واژه‌های دارای بار معنایی استفاده می‌کنند. در گفتمان مردان در دادگاه، بیشترین تلاش بر روی این مسأله است تا با استفاده از واژه‌های دارای بار ایدئولوژیک، بر مثبت جلوه‌دادن

خود و گروه خودی ها و همچنین منفی جلوه‌دادن دیگری و گروه غیر خودی ها تأکید کنند.

در زیر نمونه هایی از اظهارات مردان در جهت بزرگ‌نمایی نقاط منفی همسرشان آورده شده است. لازم به ذکر است، واژه‌های دارای بار ایدئولوژیک پررنگ شده‌اند.

۱- همسرم یه‌دندس، به حرفم اصلاً گوش نمی‌ده.

۲- آخرین چیزی که براش مهمه خونوادس.

۳- بعد ده سال زندگی مشترک در حق من خیانت کرده.

۴- تو خانواده و آشناها منو بدنام کرده.

۵- همش با من قهر میکنه.

۶- بدون اجازه من توی شهر برا خودش خونه اجاره کرده.

۷- حرفاش همش دروغه.

۸- زخم سردمزاجه، تمکین نمی‌کنه.

با بررسی جملات بالا می‌توان به وضوح دید که مردان در اظهارات خود در دادگاه از کلماتی استفاده می‌کنند که دارای بار ایدئولوژیک است. به عنوان نمونه، در مثال شماره (۱) مرد با استفاده از اضافه استعاری در پی برجسته‌سازی ویژگی منفی همسرش (لجبازی) است. پیام کاربرد شناختی گوینده با آوردن این عبارت این است که خود را بر حق می‌داند و انتظار دارد همسرش نیز این واقعیت را بپذیرد و عقایدش را زیر سؤال نبرد. در ادامه، مرد قید تأکید «اصلاً» را آورده است. قیده‌ها در جمله عنصر قطعیت و قطبیت کلام را مشخص و تکلیف مخاطب

را در برداشتی که از کلام گوینده دارد، روشن می‌کنند و در اینجا نیز مرد قصد دارد اوج نارضایتی از همسرش را به مخاطب بیان دارد.

مرد خواهان تمکین در مثال شماره (۴) از کلمه «بدنام» استفاده کرده است. گوینده برای شدت بخشیدن به میزان تأثیری که از رفتار همسرش پذیرفته، از لفظ بدنامی استفاده کرده است. همچنین، در زبان فارسی واژه بدنامی از لحاظ اجتماعی و کاربردشناسی آبرو، ناموس و مسائل اعتقادی را دربرمی‌گیرد و دارای بار عاطفی بالایی است. گوینده با به‌کارگیری این کلمه خواسته است خود را نسبت به این مسائل حساس و بالعکس، طرف مقابل را بی‌توجه نشان دهد تا به هدف خود در بازنمایی منفی همسر و مثبت خود نائل گردد.

عبارت شماره (۵) نیز حاوی قید تکرار «همش» و در جهت بزرگ‌نمایی صفت منفی همسر یعنی «قهرکردنش» استفاده شده است. همچنین کاربرد این صفت به دلیل اینکه عموماً برای کودکان استفاده می‌شود، دارای بار ایدئولوژیک منفی دوجانبه نیز هست.

نسبت دادن صفت «سردمزاجی» به همسر در مثال شماره (۸) به منظور نشان دادن عمق مشکلات در روابط زناشویی و همچنین سلب مشکل از خود است. همچنین در ادامه استفاده از کلمه «تمکین» با هوشیاری آورده شده است؛ زیرا اشاره به تمکین یعنی اطاعت کامل از شوهر که هم تمکین عام (اطاعت در مواردی غیر از روابط جنسی) و هم تمکین خاص (روابط جنسی و زناشویی) را شامل می‌شود. از طرف دیگر به‌کار بردن کلمات «تمکین» و «سردمزاجی» بجای کلمات جنسی‌تر و دور از هنجار اجتماع، به نوعی حُسن تعبیر نیز هستند. مرد نخواسته

است مستقیم به مسائل زناشویی بین خود و همسرش اشاره کند تا از این طریق به حفظ هنجار اجتماع، متناسب با فضای دادگاه نائل گردد.

در مثال‌های زیر مردان برای بزرگ‌نمایی کارهای مثبت خود، واژه‌های اغراق شده را بکار می‌گیرند تا ایدئولوژی خود را از طریق راهبردهای زبانی به کرسی بنشانند (کلمات پررنگ شده، کلمات دارای بار ایدئولوژیک می‌باشند).

۱- بنده حاضرم تعهد بدم که هرچی آموزش و پرورش بهش حقوق میده، ماهیانه بهش بدم.

۲- تو این ده سال زندگی در حد عالی برایش فراهم کردم.

۳- به خاطر لجبازیش و اینکه خانوادمون از هم نپاشه، تو بیمه مشغول کارش کردم.

۴- من آدم پاک و سالمی‌ام.

۵- هر روز از صب تا شب مثل خر کار کردم.

۶- همه جوهره باهانش کنار اوادم.

در جمله شماره (۹) مرد با رفت و آمد همسرش به خارج شهر جهت آموزگاری مدرسه مشکل دارد و با بیان اینکه «تعهد» می‌دهد تا به همان میزان حقوق به همسرش پرداخت کند، سعی دارد هم مخالفت خود درباره‌ی به سرکار رفتن همسرش را به‌طور ضمنی اظهار داشته و از طرفی خود را منطقی جلوه دهد. همچنین می‌توان دید که گوینده از میان کلمات مترادف یا نزدیک به هم، برای بیان کمک‌خرج یا نفقه، از کلمه «ماهیانه» استفاده کرده که به لحاظ کلامی دارای بار ایدئولوژیک است، زیرا فرد را متعدد جلوه داده و به شنونده اطمینان می‌دهد که نسبت به حقوق همسرش متعهد است.

در مثال شماره (۱۰) مرد برای اشاره به تهیه‌ی امکانات زندگی از «فراهم کردن» استفاده کرده تا از این طریق خود را عنصر مفید و مؤلّد خانواده نشان داده و نیز

این امر را با صفت تفصیلی «حدعالی» همراه ساخته است تا نشان دهد چیزی برای همسرش کم نگذاشته و بهترین شرایط را برای خانواده‌اش مهیا کرده است.

بر اساس نظریه ون‌دایک، می‌توان ملاحظه کرد که گوینده در مثال شماره (۱۳) با استفاده از کلمه «خر» که همزمان دارای چندین استراتژی زبانی و ایدئولوژیکی است، اولاً از راهبرد «تشبیه» استفاده کرده و با مقایسه خود با خر به میزان فراوان کار و تلاشش برای خانواده اشاره می‌کند و خود را فردی سخت‌کوش جلوه می‌دهد، ثانیاً با این تشبیه و نیز استفاده از کلماتی نظیر «صُب تا شب»، خود را بازنده و قربانی این رابطه می‌داند و از راهبرد زبانی «قربانی‌سازی» بهره می‌برد. به وضوح روشن است که گوینده با آوردن این تعبیر به جای استفاده از معادل‌هایی نظیر «کار زیاد»، «تلاش فراوان» و ... از عبارتی استفاده کرده که دارای بار عاطفی منفی بالاییست.

در جمله شماره (۱۴) عبارت «کنار اومدم» به‌طور ضمنی این مفهوم را بیان می‌دارد که همسرم دارای مشکلات فراوانی است و این من هستم که به خاطر زندگی‌ام با مشکلات او کنار آمده‌ام. در واقع مرد ابتدا به برجسته‌سازی ویژگی منفی همسرش پرداخته و سپس با راهبرد واژگانی سعی در بزرگ‌نمایی رفتار مثبت خود، داشته است. گوینده مرد همچنین تلاش دارد تا با تعدادی از واژه‌های خاص نظیر (کنار اومدم، مشغول به کار کردم، زندگی در حد عالی فراهم کردم)، مسئولیت‌پذیری خود را در مقابل عدم کفایت طرف مقابل نشان دهد.

همانطور که در بخش‌های قبل بدان اشاره شد، پاره‌ای از کلمات دارای بار ایدئولوژیک و معنایی هستند که گوینده با استفاده از آن‌ها سعی در پیشبرد اهداف خود دارد. مردان خواهان تمکین زوجه در دادگاه‌های خانواده جهت اغنای

قاضی از میان چند واژه هم‌معنا در محور جانشینی، گونه‌ای خاص را برمی‌گزینند که دارای بار ایدئولوژیک برجسته‌تری باشد. از مجموع ۳۱۵ واژه با این ویژگی، ۱۸۲ واژه در جهت بزرگ‌نمایی اشتباهات و ویژگی‌های منفی همسر و ۷۵ واژه برای بزرگ‌نمایی کارهای مثبت خود استفاده شده است.

۲-۳. معنی‌شناسی موضعی^۱

همانند راهبرد واژگانی در گفتمان، در مورد معنی نیز به گونه‌ای عام‌تر همین رویه وجود دارد. انسجام موضعی به مدل‌ها، یعنی به بازنمایی‌های موقعیت که تحت کنترل ایدئولوژی هستند، بستگی دارد. بنابراین، دلایل و علل جانب‌دارانه‌ای که روابط را در مدل تعریف می‌کنند، ممکن است در معنی‌شناسی موضعی تعصب‌آمیز جلوه‌گر شوند (Van Dijk, 1993).

یکی از ویژگی‌های معنی‌شناسی گفتمانی و روابط آن با مدل‌های ذهنی زیربنایی، ضمنی بودن آن است. از آن جا که ممکن است بخش‌هایی از مدل‌ها برای گیرندگان بدیع باشد، گویندگان می‌توانند این اطلاعات را بدیهی فرض کنند. این‌گونه فرایندهای معمول در دانش متقابل ممکن است به لحاظ ایدئولوژیک نیز کنترل شوند (Van Dijk, 1998 & Flower, 1991).

با توجه به معنی‌شناسی موضعی در مجموع می‌توان دریافت در این گفتمان‌ها مسائلی که به ضرر خودی‌ها تمام می‌شود، ضمنی باقی‌مانده و مسائلی که به ضرر غیر خودی‌ها است به‌طور صریح بیان می‌شود و برعکس، مسائلی که به نفع خودی

1. local semantics

ها است به‌طور صریح بیان شده و ویژگی‌های مثبت غیر خودی‌ها ضمنی باقی می‌ماند (ون‌دایک، ۱۳۸۹: ۴۴۵).

طی بررسی اظهارات مردان خواهان تمکین زوجه در جلسات دادگاه ملاحظه شد که آنها در موارد کمی به کوچک‌نمایی مسائل منفی خود پرداخته و در اغلب موارد، صحبتی از کارهای منفی خود نمی‌کنند. گویندگان اغلب این مسائل را به‌صورت ضمنی باقی‌گذارده و در سخنانشان به آن‌ها اشاره‌ای نمی‌کنند. در پژوهش حاضر، این مردان از ۳۱۵ واژه‌دارای بار ایدئولوژیکی که در جلسه دادگاه بیان کردند، تنها در ۳۵ مورد به خصوصیات منفی خود اشاره کرده و در اغلب این موارد نیز این اعمال را معلول رفتار همسر قلمداد نمودند و یا امری طبیعی و منطبق با عرف اجتماع دانستند. به عنوان مثال در جملات زیر:

۱— هم سرم بدون اجازه من مسافرت می‌ره، بندرعباس و شمال ... منم تو نبودش نیازمو از راه دیگه برطرف می‌کنم.

۲— یکسره خونه باباشه، بعد از من انتظار پولم داره.

۳— هر بار می‌رم سمتش یه بیهونه‌ای میاره، خب منم آدمم، تحملم حدی داره.

در مثال شماره (۱۵) مرد برای توجیه رفتار منفی خود یعنی عدم پایبندی به همسرش و داشتن رابطه با فردی دیگر، در ابتدای صحبت‌هایش خطاب به قاضی از عدم حضور همسر در خانه و انجام‌ندادن وظایف شکایت کرده تا با این کار از رفتار منفی خود رفع تأکید کند و به گونه‌ای عمل منفی خود را معلول رفتار بد همسرش بداند.

در مثال شماره (۱۶) مرد قصد دارد تا با استفاده از قید حالت «یکسره» در ابتدای جمله، به اغراق در کار همسرش پرداخته و رفتارش را منفی‌تر جلوه دهد.

همچنین مرد با علم به اینکه هر زنی که در خانه شوهرش حضور پیدا نکند مستحق دریافت خرجی نیست، عمل منفی خود را توجیه می‌کند و قبل از بیان اشتباه خود، آن را معلول رفتار همسرش می‌داند. این عمل در واقع «طبیعی سازی» موضوع است تا قصور خود (خرجی ندادن) را با بیان عملی منفی از همسرش به حاشیه براند و ضمنی باقی بگذارد.

در مثال شماره (۱۷) مرد برای اینکه به سردی و بدرفتاری خود نسبت به همسرش اشاره‌ای کند، قبل از هرچیز، این رفتار را معلول عدم تمکین همسرش می‌داند. گوینده در ابتدا به عدم تمکین خاص همسرش اشاره‌ای می‌کند و اینکه در موقعیت نامطلوبی توسط او قرار گرفته و در ادامه با مقایسه خود با دیگران این‌گونه بیان می‌دارد که این رفتار تنها مختص او نیست و هر شخصی بجای او بود، همین رفتار را انجام می‌داد. گوینده در این جمله، هم به برجسته‌سازی و بزرگ‌نمایی رفتار منفی طرف مقابل پرداخته و هم به حاشیه‌راندن رفتار منفی خود اقدام کرده است.

۳-۳. معنی‌شناسی عام: سرفصل‌ها

سرفصل‌ها گزاره‌های معنایی هستند که از نظر گویندگان از سایر اطلاعات گفتمان مهم‌تر و دارای بار ایدئولوژیک بیشتری هستند. بر اساس این تعریف نیز می‌توان در اینجا از افراد گروه خودی انتظار داشت که از اطلاعاتی که با منافع و یا خودانگاره مثبتشان ناهمخوان است، اهمیت‌زدایی کنند و در عوض به برجسته‌سازی اطلاعاتی بپردازند که بر خصوصیات نامطلوب غیرخودی‌ها تأکید دارند (Van Dijk, 1991).

مردان خواهان تمکین نیز از همین رویه استفاده کرده و در ابتدا به بیان ویژگی‌های منفی غیر خودی می‌پردازند. این افراد در اظهارات خود، اولویت را به مطالب مربوط به «خ صو صیات منفی» هم سران خود داده و آن ویژگی‌ها را قبل از دیگر مسائل، بیان می‌کنند. همچنین، دیگر اظهارات نظیر «بزرگ‌نمایی ویژگی‌های مثبت خودی» و «کوچک‌نمایی خصوصیات مثبت غیر خودی» را در مرتبه‌های بعدی و یا در پایان بیان می‌کنند و یا از آن ذکری به میان نمی‌آورند. در جدول زیر، جملات اول یک جلسه در ستون سمت راست و اظهارات پایانی همان جلسه در ستون سمت چپ داده شده است:

جدول (۱): اظهارات اول و آخر زوجها

جملات اول اظهارات	جملات آخر اظهارات
زنم بعد چهار ماه زندگی رو ول کرده و برنمی‌گرده.	همه جوهره باهاش کنار اوادم.
خانمم لجبازه، سر هر چیزی قهر می‌کنه.	همه اول ازدواجشون اختلاف سلیقه و مشاجره به وجود میاد، تو همه زندگیا هست.
بدون عذر شرعی از تکالیف خودش امتناع می‌کنه.	به خاطر اینکه خانوادمون از هم نپاشه، تو بیمه دی مشغول بکارش کردم.
آخرین چیزی که براش مهمه خونوادست.	اگه معلم خوبیه به فکر خانواده خودش باشه.
خواهرش بهم ناسزا میگه.	این خانم پنج سال با من بوده، اگه بهم علاقه نداشت، پنج سال تحمل نمی‌کرد.
به حرف من گوش نمی‌ده و تمکین نمی‌کنه.	من منزل براش تهیه کردم و اجاره می‌دم ولی پاشو تو خونه نداشتی.

همانطور که اشاره شد در جدول بالا جملات حاوی بزرگ‌نمایی غیر خودی‌ها در ابتدای بیانات مطرح شده و به دنبال آن مطالب کم‌اهمیت‌تر که غالباً علل

اصلی دادخواست تمکین نیستند، بیان می‌گردند. به طور مثال مردی در ابتدای اظهاراتش در دادگاه بیان می‌دارد که همسرش لجباز است و بر سر کوچک‌ترین مسائل با او قهر می‌کند. این امر زندگی را برای او دشوار کرده و از شرایط رضایت ندارد. می‌بینیم در اینجا مرد برای پیاده سازی ایدئولوژی‌اش در جهت اقناع قاضی به ذکر نکات منفی همسرش در ابتدا پرداخته است. او در آخرین اظهاراتش اشاره‌ای به مشاجراتی که با همسرش داشته می‌کند و به توجیه ایراد ضرب و جرحی که انجام داده می‌پردازد. جملات ابتدایی او در جهت «بزرگ‌نمایی ویژگی منفی» همسرش و جملاتی که در انتها بیان می‌کند در جهت «کوچک‌نمایی ویژگی منفی» خودش است.

در مثالی دیگر می‌بینیم که مرد ابتدا مسأله عدم تمکین عام همسرش را در انتخاب محل زندگی مطرح می‌کند و از تبعیت‌ناپذیری همسرش شاکی است. طرح درخواست اصلی و اساسی او در ابتدا بیان شده و در انتهای صحبت‌های اشاراتی به کارهای مثبت خود، نظیر فراهم آوردن امکانات برای زندگی و تأمین مسکن و سرپناه می‌پردازد و سعی دارد قاضی را با خود همراه ساخته و خودش را منطقی جلوه دهد. همانطور که قبلاً ذکر شد، بزرگ‌نمایی ویژگی‌های منفی غیر خودی و بزرگ‌نمایی ویژگی‌های مثبت خودی در درجه بالاتری از اهمیت به نسبت دیگر اضلاع مربع ایدئولوژیک ون‌دایک (2006) قرار دارند.

۳-۴. دستور

در ساختارهای نحوی، به طور مثال ترتیب کلمات و نیز ساختارهای تبادلی جملات، ممکن است بر ایدئولوژی خاصی دلالت داشته باشد؛ مثلاً در دستور زبان انگلیسی عاملیت، مسئول یا فاعل دستوری دارای نقشی است و در جایگاه آغازین

قرار می‌گیرد. ممکن است که عقاید تحت نظارت ایدئولوژی خاصی، باعث تفاوت در قالب صورت‌های نحوی شود (حسینعلی قجری و جواد نظری، ۱۳۹۲).

تبیین نظری این گونه‌های نحوی، منشأ ایدئولوژیک دارند و باید بر حسب ساختارهای مدل ارائه شوند. برجستگی‌های نحوی بیانگر یا القاکننده برجستگی معنایی است که به نوبه خود ممکن است مرتبط با برجستگی بازیگران و خصوصیات آنها در مدل‌های ذهنی باشد؛ به طور مثال اگر خصوصیات منفی گروه‌های غیرخودی در مدل برجسته باشند، ممکن است بر ترتیب نحوی کلمات و ساختار بند به گونه‌ای تأثیر بگذارد که عاملیت و مسئولیت بازیگران گروه غیرخودی، به لحاظ نحوی مورد تأکید قرار گیرد (Van Dijk & Kintsch, 1983).

پس می‌توان انتظار داشت، ساخت‌های نحوی خاص نظیر منفی‌سازی، مبتداسازی و ... توسط مردان، به منظور پیشبرد ایدئولوژی خود در راستای اضلاع چهارگانه مربع ایدئولوژیک ون‌دایک (2006) در دادگاه‌های خانواده استفاده شود. در ادامه به بررسی پاره‌ای از این ساخت‌های نحوی می‌پردازیم.

۳-۴-۱. ساخت‌های منفی

گفتار منفی از نظر گیون، یعنی در شرایط زمانی و مکانی خاصی که در آن روی دادن وضعیت معمول بوده، عدم وقوع رویداد برجسته و حاوی اطلاع باشد. بر اساس نظر گیون، جمله منفی دارای اهداف ارتباطی و پیش‌انگاره‌هایی متفاوت از جمله مثبت است. در جمله مثبت گوینده چیزی را می‌داند که شنونده نمی‌داند، ولی در جمله منفی معمولاً گوینده باور نادرست شنونده را تصحیح می‌کند (Croft, 1990).

مردان نیز عمده ساختارهای منفی را در جهت تصحیح باور مخاطب به کار می‌برند؛ به شکلی که مخاطبین شکل مثبت این جملات را به صورت پیش فرض در ذهن خود دارند و با به کارگیری شکل منفی آن‌ها، می‌توانند این پیش فرض و باور ذهنی مخاطب را تصحیح نمایند، مثلاً در جملات زیر

۱- همسرم یه دندس، به حرفم اصلاً گوش نمی‌ده.

۲- من منزل برایش تهیه کردم و اجاره میدم ولی پاشو تو خونه نداشتی.

۳- از سال گذشته عمل زناشویی باهم نداشتیم.

۴- بدون عذر شرعی از تکالیف خودش امتناع می‌کنه.

۵- میگه چون دست روم بلند کردی تمکین نمی‌کنم.

به دلیل اینکه گوینده به صورت پیش فرض و طبیعی، شکل مثبت این جملات را در ذهن دارد، با ذکر شکل منفی آن جمله سعی در بیان این واقعیت دارد که طرف مقابلش (غیرخودی) این خصلت‌ها را ندارد. به عنوان نمونه، در مثال شماره (۱۸) گوینده با این پیش فرض که همسر باید از شوهرش تمکین کند، برای بازنمایی منفی همسر خود از جمله‌ای منفی استفاده می‌کند.

در مثال شماره (۱۹) شخص شکل مثبت جمله را به عنوان شرط لازم زندگی تلقی کرده و با بیان جمله منفی «پاشو تو خونه نداشتی»، این پیش فرض ذهنی را که هر زنی باید در خانه همسرش زندگی کند، بیان می‌دارد و با ساخت نحوی و شکل دادن جمله‌ای منفی، همسرش را فاقد این پیش فرض وجودی قلمداد کرده و قصد دارد به مخاطب بفهماند که همسر او فاقد این ویژگی است.

از منظر دیگر، پاره‌ای از جملات منفی بیان شده به بزرگ‌نمایی ویژگی‌های مثبت خود اشاره دارد؛ بدین صورت که گوینده با استفاده از ساخت‌های منفی در

صدد مبرا شدن از پاره‌ای صفات منفی است. در زیر نمونه‌ای از این جملات آورده شده است:

۱- من از اون آدماییستم که زنم هر چی خواست بیوشه.

۲- نمی‌خوام زنم با غریبه گرم بگیره.

۳- خونواده ما اهل مهمونی و پارتنی گرفتن نیستن.

۴- با آبرو و حیثیتم نمی‌خوام بازی بشه.

جملات بالا همگی به لحاظ نحوی منفی هستند و مقصود گوینده از بیان آن‌ها تبری جویی خود از این صفات ناپسند است. برای نمونه، در مثال شماره (۲۴) مرد از هم‌کلام شدن و صمیمی شدن همسرش با اشخاص غریبه گلایه می‌کند. او با دو ایدئولوژی به بیان این جمله می‌پردازد: اولاً همسرش را فردی «بی‌عفت» معرفی می‌کند و ثانیاً، خود را فردی آگاه و متعهد معرفی می‌کند که برخلاف همسرش به این ارزش‌ها پایبند است.

۳-۴-۲. ساخت‌های تأکیدی

گونه‌ای از ساخت‌های جملات، سازه‌های برجسته نام دارند که در آن زبان‌ها از ابزارهای متفاوتی مانند ابزار آوایی، واژگانی و دستوری به منظور نشان دادن این سازه‌ها استفاده می‌کنند. به‌طور مثال، حرکت سازه‌هایی از جمله به ابتدای آن، در جهت برجسته کردن آن سازه، یکی از ابزارهای دستوری متداول در زبان‌ها برای بازنمایی تأکید است. نمونه‌های آن عبارت است از: اسنادی سازی و شبه اسنادی سازی (Butler, 2003: 167).

مردان خواهان تمکین نیز از این اظهارات در جهت القای ایدئولوژی خود و در راستای بزرگ‌نمایی ویژگی‌های منفی غیرخودی، قسمتی از گفته خود را با مبتداسازی یا اسنادی سازی، به ابتدای جمله آورده تا بهتر بتوانند به بزرگ‌نمایی جنبه‌های منفی همسرانشان اشاره کنند و از این طریق، مخاطب خود را اقناع نمایند. در زیر نمونه‌هایی از این جملات آورده شده است:

۱- اول کرده دخترمو به امان خدا.

۲- اول ازدواج همه اختلاف سلیقه و مشاجره دارن و تو همه زندگیا هست.

۳- ۴۰۰ هزار به حسابش واریز کردم، با این که تو خونه باباش بود.

۴- از سال گذشته عمل زناشویی باهم نداشتیم.

ساخت طبیعی جمله شماره (۲۷) چنین است: «دخترم به امان خدا ول کرده». با پیش‌آیندسازی فعل «ول کرده» و حرکت دادن آن به ابتدای جمله تغییری در ساختار اصلی جمله پدیدار شده است. مرد با این ساخت سعی در برجسته سازی صفت «بی‌مسئولیتی» همسرش داشته است و همانگونه که قبلاً ذکر شد، در راستای «بزرگ‌نمایی صفات منفی» همسر است.

ساخت طبیعی جمله (۲۸) به این صورت است: «همه خانواده‌ها در اول ازدواجشان اختلاف سلیقه و مشاجره دارند». گوینده با جابجایی و پیش‌آیندسازی واژه «اول ازدواج» سعی دارد تا با برجسته‌سازی از طریق ساخت تأکیدی، به عادی سازی کارش بپردازد. او معتقد است به دلیل اینکه هنوز در ابتدای زندگی هستند، این مسائل (اختلافات و کتک‌کاری) طبیعی است و از راهبرد کمرنگ کردن ویژگی‌های منفی خودی بهره برده است. به علاوه، مرد با تکرار «همه» در این مثال، این عنصر را مؤکد ساخته و سعی داشته تا با استفاده از

راهبرد «بیان هنجارها» عملش را عادی جلوه دهد. گوینده از بین عناصر زبانی متعدد مورد استفاده در هر نمونه، آن عنصری که حائز اهمیت بیشتر بوده و برای اقناع هرچه بهتر مخاطب، آن را مناسب تشخیص داده، انتخاب کرده و سپس، با تکرار عین همان عنصر، مفهوم را برجسته ساخته است. این عملکرد با دو هدف تأکید بر منش مثبت خود و خودی‌ها و برجسته‌سازی رفتار منفی طرف مقابل به کار رفته است.

در مثال شماره (۲۹) هم ساخت طبیعی جمله این‌گونه است که «با اینکه تو خونه باباش بود، به حسابش ۴۰۰ هزار واریز کردم»، اما مرد برای پیش‌برد ایدئولوژی خود از ساخت تأکیدی استفاده کرده و با آوردن گروه اسمی «۴۰۰ هزار» به اول جمله و پیش‌آیندسازی آن، سعی در پررنگ کردن کمک مالی اش (بزرگ‌نمایی و ویژگی مثبت خودی) پرداخته است.

۳-۵. بلاغت

بر اساس آنچه تاکنون دیدیم، بیشترین تلاش مردان در دادگاه خانواده، بر روی بزرگ‌نمایی نکات منفی و ویژگی‌های منفی گروه غیرخودی است که برای نیل به ایدئولوژی و اقناع هر چه بیشتر مخاطب از انواع استراتژی‌های کلامی و غیرکلامی استفاده می‌کنند. از طرفی می‌دانیم که ساختارهای خاصی در گفتمان، نظیر تکرار روساختی یا آرایه‌های ادبی مانند استعاره، ممکن است در مواردی ریشه در ایدئولوژی فرد داشته باشند. این امر زمانی رخ می‌دهد که ویژگی‌های ناخوشایند خودی کم‌اهمیت جلوه داده شده و درعین حال، ویژگی‌های منفی غیرخودی مورد تأکید قرار بگیرند. بسیاری از آرایه‌هایی که ما آن‌ها را می‌شناسیم، نظیر مبالغه،

اغراق، حسن تعبیر، تعدیل، تخفیف و تکرار و ... دارای این تأثیر خاص به‌عنوان کارکرد اصلی خود هستند (ون‌دایک، ۱۳۸۹: ۴۵۰).

مردان خواهان تمکین نیز از آرایه‌های ادبی مثل کنایه، تشبیه، استعاره و از همه بیشتر اغراق استفاده کرده‌اند، چون اغراق بهترین و مناسب‌ترین راه برای رسیدن به اهداف گفتمانی و اقناع ایدئولوژیک برای بزرگ‌نمایی ایرادات طرف مقابل و برجسته‌سازی و مثبت‌نمایی اعمال خود است. در زیر نمونه‌هایی از فنون بلاغت مورد استفاده مردان در دادگاه ذکر شده است:

۱- همسرم یه‌دندس، به حرفم اصلاً گوش نمی‌ده.

۲- از همون اول زندگی سرناسازگاری با من داشته و دائماً منو آزار می‌ده.

۳- دخترمو ول کرده به امان خدا.

۴- همه آتیشا از گور خانوادش بلند میشه.

در مثال شماره (۳۱) مرد از صفت مرکب «یک‌دنده» برای بیان ویژگی منفی همسرش یعنی لجبازی استفاده می‌کند و درواقع، این ترکیب به کنایه آمده است. در نمونه شماره (۳۲) نیز ترکیب «سرناساز» کنایه از عدم تفاهم دارد. در این جمله، گوینده از عباراتی نظیر «اول زندگی» و «دائماً» استفاده کرده است که نشان دهنده اغراق هستند.

در جمله شماره (۳۳) جابجایی در محور جانشینی صورت گرفته است؛ عبارت «ول کردن به امان خدا» به کنایه از «رهاکردن» آمده است. در جمله شماره (۳۴)، هم استعاره و هم اغراق دیده می‌شود، به این صورت که مرد مشکلات و درگیری‌هایش را به «آتشی» تشبیه کرده که منشأ آن آتش، خانواده همسر اوست

و باعث و بانی تمام مشکلات او آنها هستند. در ضمن استفاده از واژه «همه» هم نشانگر اغراق است.

به علت عُرف اجتماع و قرار گرفتن در حضور قاضی، مردان معمولاً از صورت‌های دارای حسن تعبیر در اظهاراتشان استفاده می‌کنند. مثلاً بجای اشاره صریح به رابطه جنسی، از عبارت «نزدیکی» یا «دوری» استفاده می‌کنند. به طور مثال نمونه‌هایی از این جملات آورده شده است:

۱- پشت سرم، جلوی بچه‌ها بهم ناسزا میگه.

۲- بدون عذر شرعی از تکالیف خودش امتناع می‌کنه.

۳- از سال گذشته عمل زناشویی باهم نداشتم.

۴- سر چیزهای بی خود و الکی سر ناسازگاری رو با من شروع کرده.

در مثال شماره (۳۵) گوینده به علت عُرف اجتماع و قرار گرفتن در حضور قاضی، برای اجتناب از ذکر واژه‌های بی‌ادبانه، از واژه «ناسزا» استفاده کرده که نوعی حُسن تعبیر است. همچنین، در جمله شماره (۳۶)، منظور گوینده از «عذر شرعی»، مسائل و عادات زنانگی همسرش است. گوینده با علم به این نکته که در این دوره، زن ملزم به تمکین خاص نیست، خود را پایبند به شرع و قانون نشان داده و از طرف دیگر هم سرش را بی‌توجه به حق و حقوق بر می‌شمارد. همچنین، منظور از «تکالیف» در این مثال، عمل نزدیکی و روابط زناشویی است که این عبارات در محور جانشینی بجای کلمات تابو بکار برده شده و دارای حُسن تعبیر است.

در خاتمه به منظور درک بهتر بسامد هر یک از راهبردهای ایدئولوژیک به کاررفته توسط مردان در پژوهش حاضر، جدول آماری زیر ارائه می‌گردد:

جدول (۲): میزان پراکندگی هر یک از اضلاع مربع ایدئولوژیک ون دایک در گفتمان مردان خواهان تمکین زوجه

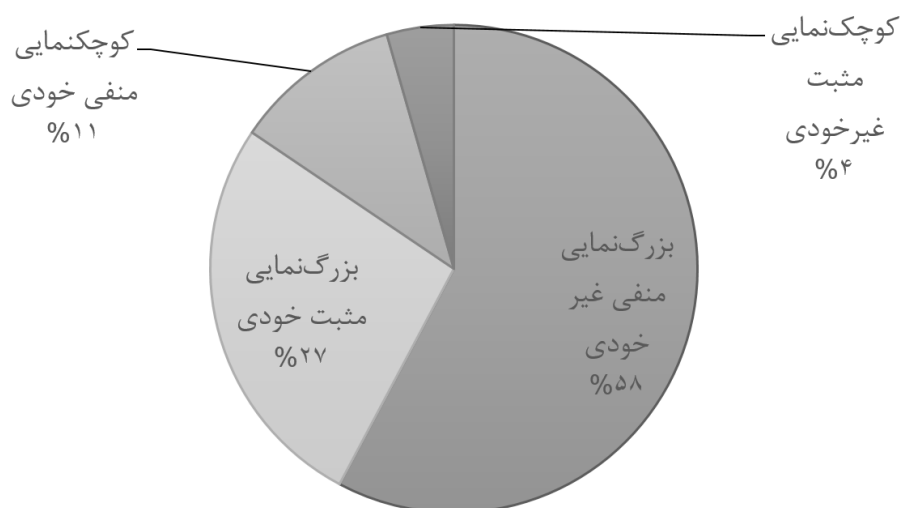
راهبرد	تعداد	درصد
بزرگ‌نمایی منفی غیر خودی	۱۸۲	٪۵۸
بزرگ‌نمایی مثبت خودی	۸۴	٪۲۷
کوچک‌نمایی منفی خودی	۳۵	٪۱۱
کوچک‌نمایی مثبت غیر خودی	۱۴	٪۴
مجموع	۳۱۵	٪۱۰۰

۴. نتیجه‌گیری

با توجه به شواهد به‌دست‌آمده از گفتمان مردان خواهان تمکین زوجه، به این نتیجه رسیدیم که این مردان برای اقناع دادگاه و پیاده‌سازی ایدئولوژی خود از انواع راهبردهای زبانی در جهت بزرگ‌نمایی رفتارهای منفی هم‌سر (غیر خودی‌ها) و بزرگ‌نمایی رفتار مثبت خود (خودی‌ها) استفاده می‌کنند. همچنین، از دو ضلع دیگر مربع ایدئولوژیک ون دایک (کوچک‌نمایی نکات مثبت طرف مقابل و کوچک‌نمایی نکات منفی خودی) کمتر استفاده می‌شود و این امر منطبق با نظر ون دایک (۲۰۰۶) است. در نمونه مورد مطالعه از مجموع ۳۱۵ جمله دارای بار ایدئولوژیک، ۱۸۲ جمله (٪۵۸) در جهت بزرگ‌نمایی نقاط منفی طرف مقابل و ۸۴ جمله (٪۲۷) برای بزرگ‌نمایی نقاط مثبت خودی استفاده شده است. مردان خواهان تمکین، در موارد کمی به کوچک‌نمایی مسائل منفی خود پرداخته و یا در اغلب موارد صحبتی از کارهای منفی خود نمی‌کردند که این امر با نظریه ون دایک (۲۰۰۶)، یعنی ضمنی باقی‌گذاشتن نقاط منفی خودی و نقاط مثبت غیر خودی

مطابقت دارد. همچنین با مقایسه آماری ابزارهای زبانی به‌کاررفته توسط مردان خواهان تمکین در تحقیق حاضر با زنان خواستار طلاق (حلاج‌زاده بناب ۱۳۹۶)، مشخص می‌شود که مردان نیز همانند زنان از استراتژی‌های زبانی مشابهی در جهت اقناع مخاطب خود استفاده می‌کنند و بیشتر راهبرد زبانی‌شان در جهت بزرگ‌نمایی نکات منفی طرف مقابل و در مرحله بعد بزرگ‌نمایی نکات مثبت خودی است.

شکل (۱): نمودار پراکندگی اضلاع مربع ایدئولوژیک ون‌دایک در گفتمان مردان خواهان تمکین زوجه



منابع

آقاگل‌زاده، فردوس. (۱۳۸۴). «زبان‌شناسی قضایی (قانونی)، رویکرد نوین در زبان‌شناسی کاربردی». *مجموعه مقالات اولین همایش انجمن زبان‌شناسی ایران*. به کوشش مصطفی عاصی. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی. ۹۶-۲۰۴.

آقاگل‌زاده، فردوس. (۱۳۹۱). *زبان‌شناسی حقوقی (نظری و کاربردی)*. ویراست دوم. تهران: انتشارات علم.

تقی‌پور، مرجان. (۱۳۹۴). «روش‌های اقناع و کلا در دادگاه‌های کیفری از بعد زبان‌شناسی حقوقی». *مجموعه مقالات دومین همایش ملی زبان‌شناسی حقوقی*. فردوس آقاگل‌زاده. تهران: نویسه پاریسی.

حلاج‌زاده بناب، حسین. (۱۳۹۷). «توصیف و تحلیل ساخت‌های ایدئولوژیک در گفتمان زنان خواستار طلاق، بر پایه نظریه ون‌دایک (2006): رویکرد زبان‌شناسی حقوقی». *زبان پژوهی*. ۲۸/۱۰: ۲۸-۱۰.

حلاج‌زاده بناب، حسین. (۱۳۹۶). *توصیف و تحلیل ساخت‌های ایدئولوژیک در گفتمان زنان خواستار طلاق، بر پایه نظریه ون‌دایک (2006): رویکرد زبان‌شناسی حقوقی*. رساله دکتری. زاهدان: دانشگاه سیستان و بلوچستان.

رضویان، حسین. مریم جلیلی. (۱۳۹۶). «تحلیل ویژگی‌های زبانی افراد کلاهدار، مطالعه موردی استان سمنان». *زبان و زبان‌شناسی*. ۲۶/۱۳: ۱۶۳-۱۳۳.

روشن، بلقیس. (۱۳۹۴). «ویژگی‌های کلامی جدل‌های میان زنان و مردان در دادگاه‌های خانواده شهر تهران». *مجموعه مقالات دومین همایش ملی زبان‌شناسی حقوقی: تحلیل گفتمان حقوقی*. به کوشش فردوس آقاگل‌زاده. تهران: نویسه پاریسی. ۷۹-۶۵.

قجری، حسینعلی و جواد نظری. (۱۳۹۲). *کاربرد تحلیل گفتمان در تحقیقات اجتماعی*. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

لسانی، متین سادات و شعبان بریمانی. (۱۳۹۲). «زبان‌شناسی حقوقی، تحلیل گفتمان افراد حاضر در دادگاه‌های شهر تهران بر اساس اصول همکاری گرایس». *مجموعه مقالات نخستین همایش ملی زبان‌شناسی حقوقی*. به کوشش فردوس آقاگل‌زاده. تهران: نویسه پاریسی. ۸۳-۷۶.

مؤمنی، نگار. (۱۳۹۱). «تحلیل جرم‌زبانی «دروغ در نظام قضایی» از منظر زبان‌شناسی حقوقی (مطالعه موردی در محاکم قضایی تهران)». *زبان پژوهی*. ۷/۴: ۲۶۵-۲۳۹.

ون‌دایک، تئون. (۱۳۸۹). *مطالعاتی در تحلیل‌گفتمان از دستور متن تا گفتمان کاوی انتقادی*. پیروز ایزدی و دیگران. تهران: مرکز مطالعات رسانه‌ها.

Adams, S. H. (1996). "Statement analysis: what do suspects words really reveal?". *FBI Law Enforcement Bulletin*. 65(10). 12-20.

Brown, G. & G. Yule, (1983). *Discourse Analysis*. Cambridge: University Press.

Butler, C. S. (2003). *Structure and Function: A Guide to Three Major Structural Functional Theories*. London: John Benjamins Publishing Company.

Croft, W. (1990). *Typology and Universals*. 2nd edition. Cambridge: University Press.

Fairclough, N. & R. Wodak. (1997). "Critical Discourse Analysis". In T. van Dijk (ed). *Discourse and Social interaction*. Vol 2. New York: Sage publications.

Flower, R. (1991). *Language in the News*. Discourse and Ideology in the Press. Routledge, London.

Givon, T. (2001). *Syntax: An Introduction*. Vol. I. Amsterdam: Benjamins.

Groot, G. R. (2003). *Language and Law*. Netherland: Maastricht University Press.

Howarth, D. & Y. Stavrakakis. (2000). *Discourse Theory and Political Analysis: Identities, Hegemony: Identities, Hegemonies and Social Change*. Manchester: University Press.

Kress, G. & B. Hodge. (1993). *Language as Ideology*. London: Routledge.

Larsson, S. (2017). *Conception In The Code; How Metaphors Explain Legal Challenges in Digital Times*. Oxford: University Press.

Olsson, J & J. Luchjenbroers. (2013). *Forensic Linguistics*. London: Bloomsbury Publishing PLC.

Richardson, E. (2007). *Analyzing Newspapers: An Approach from Critical Discourse Analysis*. New York: Palgrave Publishing.

Ruth, W. Van Dijk, T. (eds). (2000). *Racism At The Top. Parliamentary Discourses on Ethnic Issues in Six European States*. Klagenfurt: Drava Verlag.

Shuy, R. W. (2006). *Linguistics in the Courtroom*. New York: Oxford University Press.

- Solan, L & P. Tiersma. (2003). "Hearing voices: speaker identification in court". *Hastings Law Journal*. 54: 373-386.
- Van Dijk, T. A. & W. Kintsch. (1983). *Strategies of Discourses Comprehension*. New York: Academic Press.
- Van Dijk, T. A. (1985). *Handbook of Discourse Analysis*. New York: Academic Press.
- Van Dijk, T. A. (1993). *Principles of critical discourse analysis. Discourse & Society*. London: Sage.
- Van Dijk, T. A. (1998). *Ideology. A Multidisciplinary Approach*. London: Sage.
- Van Dijk, T. A. (2000). "Ideologies. Racism. Discourse. Debates on Immigration and Ethnic Issues". *Comparative perspectives on racism*. 13: 91-116.
- Van Dijk, T. A. (2001). *Multidisciplinary CDA: A Plea for Diversity. In R, Wodak. & M, Meyer (Eds.), Methods of Critical Discourse Analysis*. London: Sage.
- Van Dijk, T. A. (2006). "Discourse and Manipulation". *Discourse & Society*. 17(3): 359-383.
- Yule, G. (2000). *Pragmatics*. Oxford: University Press